**باسمه تعالی**

**شنبه: 2/2/1396**

**اصول / درس شماره 99**

**درس خارج اصول الفقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**سند روایت ثواب الاعمال در کلام هدایه المسترشدین**

در هدایه المسترشدین در مورد سند روایت (من بلغه شیء من الثواب ...) که در ثواب الاعمال وارد شده، بیان شده است: «و لیس فی الإسناد من یتأمّل فی شأنه سوی علیّ بن موسی، و الظاهر أنّه الکمندانی الّذی هو أحد رجال عدّة ابن عیسی المذکور فی الکافی و لم یصرّحوا بتوثیقه، إلّا أنّ الظاهر أنّه من المشایخ المعروفین. و فی روایة الأجلّاء کالکلینی و علیّ بن بابویه رحمهما اللّه عنه إشارة إلی جلالته فالظاهر عدّ خبره قویّا، بل الظاهر أنّه لا مانع من قبول الروایة من جهته‏»[[1]](#footnote-1)

در این کلام عمده دو فقره وجود دارد. مراد از حدیث قوی چیست؟ و انتهای کلام ایشان (بل الظاهر أنّه لا مانع من قبول الروایة من جهته) به چه معناست؟

**اصطلاحات خبر قوی**

در کتاب معجم مصطلحات رجال و درایه نوشته آقای جدیدی نژاد، صفحه 121 عبارات مختلفی از علما در معنای قوی نقل شده که تنها عبارت شهید اول و نحوه کاربرد اصطلاح در روضه المتقین بیان می گردد.

شهید اول در ذکری در ضمن تقسیمات چهارگانه حدیث بیان می کند: «و الموثّق: ما رواه من نصّ علی توثیقه مع فساد عقیدته، و یسمّی: القوی. و قد یراد بالقوی مرویّ الإمامی غیر المذموم و لا الممدوح، أو مروی المشهور فی التقدم عن الموثّق.»[[2]](#footnote-2) در این کلام، سه اصطلاح برای قوی بیان شده که اصطلاح اول در نام گذاری خبر موثق به قوی، مکرّر در کتب علامه وجود دارد و روایات افرادی مانند اسحاق بن عمار را که در نظر ایشان غیر امامی ثقه است،[[3]](#footnote-3) قوی دانسته است.[[4]](#footnote-4) اصطلاح دوّمی که در کلام شهید نقل شده، قوی روایت راوی امامی است که ذم و مدح نشده باشد. البته باید دقت داشت که در این اصطلاح امامی بودن باید احراز شود تا بتوان به این خبر، قوی اطلاق کرد. مرحوم میرداماد نیز در الرواشح السماویه بر این نکته تکیه کرده و می نویسد: « القوی و هو مروی الامامی فی جمیع الطبقات الداخل فی طریقه ولو فی طبقه ما من لیس ممدوح و لا مذموم مع سلامته عن فساد العقیده»[[5]](#footnote-5) مرحوم میرداماد در جایی دیگر می نویسد: « فاذن قد استبان لک ان من یذکره النجاشی من غیر ذمّ و مدح یکون سلیما عنده

عن الطعن فی مذهبه و عن القدح فی روایته فیکون بحسب ذلک طریق الحدیث من جهته قویّا لا حسنا و لا موثّقا و کذلک من اقتصر الحسن بن داود علی مجرّد ذکره فی قسم الممدوحین من غیر مدح و قدح یکون الطریق بحسبه قویّا»[[6]](#footnote-6)

شهید اول در اصطلاح سوم می نویسد: « مروی المشهور فی التقدم عن الموثّق» این عبارت مجمل به نظر می آید. در حاشیه ذکری از دو نسخه خطی عبارت به نحوی دیگر نقل شده است: «و فی الرواشح السماویة: 42: و فی عدّة نسخ من الذکری معوّل علی صحتها مکان «غیر الموثق»: «عن الموثق»»[[7]](#footnote-7) در غالب نقلیاتی که از ذکری نقل شده است، «غیر الموثق» وجود دارد.[[8]](#footnote-8) در رواشح سماویه میرداماد ابتدا «غیر الموثق» نقل کرده، سپس «عن الموثّق» را نقل کرده و توضیحی در این زمینه دارد: «یعنی به المشهور فی التقدم غیر الموثق و لا الامامی. فیکون هذا القسم بالنسبه الی الموثق کالحسن بالنسبه الی الصحیح» کلام مرحوم میرداماد مقداری اغلاق داشته و می توان آن را اینگونه توضیح داد: همانگونه که امامی که توثیق نشده اما ممدوح است موجب حسن شدن سند است، غیر امامی که توثیق نشده اما مدحی در مورد او وارد شده، موجب قوی شدن سند است. ایشان در ادامه می نویسد: « و فی عده نسخٍ معوّلٍ علی صحتها مکان غیر الموثق عن الموثق و علی هذه النسخه فالمشهور بالتقدّم یعنی به الامامی المشهور تقدما.» ظاهرا ایشان عبارت «مروی المشهور فی التقدم عن الموثّق» را اینگونه تفسیر کرده که روایتی که مشهور بر تقدیم آن بر خبر موثّق است، قوی نام دارد یعنی «المشهور تقدّمه علی الموثّق» مطابق این تفسیر، خبر قوی بر خبر موثّق تقدیم داشته و مطابق اختلاف در رتبه بندی حدیث، جایگاه خبر قوی متفاوت خواهد بود. مطابق برخی از مبانی خبر موثّق بر خبر حسن، تقدیم دارد که مطابق این مبنا، خبر قوی خبر صحیح می باشد زیرا خبر موثّق در رتبه دوم اعتبار است و خبر قوی بالاتر از موثّق است. اما در صورتی که خبر حسن از خبر موثّق بالاتر باشد، امکان دارد خبر قوی حسن بوده و امکان دارد، صحیحه باشد. پس می توان گقت: خبر قوی در اصطلاح جامع بین مبانی، اعم از خبر صحیح و موثّق است. شاید به همین علت ابن ابی جمهور احصائی[[9]](#footnote-9) یکی از اطلاقات خبر قوی را بر خبر صحیح دانسته است بدین توضیح که ایشان خبر موثّق را بالاتر از خبر حسن دانسته و مطابق این مبنا، خبر قوی هم رتبه خبر صحیح است. شاید بتوان مطابق این مبنا، تفاوت خبر صحیح و قوی را در آن دانست که خبری که امامی بودن و توثیق روات آن و سایر نکات مؤثر در اعتبار خبر، از کلام ائمه رجال به دست آمده باشد، خبر صحیح است و در صورتی که موثّق بودن و امامی بودن راوی از عمل اصحاب استفاده شود، خبر قوی خواهد بود.

در وصول الاخیار پس از نقل سه اصطلاح مذکور در ذکری می نویسد: «و الاول هو المتعارف فی الفقها» ایشان اصطلاح اول که همان اصطلاح مرحوم علامه بوده و بر موثّق قوی اطلاق می شود را متعارف دانسته است.

سید حسن صدر در نهایه الدرایه می نویسد: « لم اعهد اطلاق القوی علی المشهور فی التقدم»[[10]](#footnote-10) البته نمی‌توان کلام شهید اول را تخطئه کرد زیرا حتما اصطلاحی در این زمینه وجود داشته که ایشان نقل کرده هر چند به ما نرسیده باشد.

**مراد از مروی المشهور فی التقدم غیر الموثق**

به نظر می رسد عبارت المشهور فی التقدم عن الموثق صحیح نبوده و باید غیر الموثق صحیح باشد. مطابق این نسخه مراد شهید اول از این عبارت همان تفسیر مرحوم میرداماد است که خبری که راوی آن غیر امامی اما ممدوح باشد، قوی است و رابطه آن با خبر موثّق مانند رابطه خبر حسن با صحیح است. البته عبارت شهید اول عبارت پیچیده ای است.

**اصطلاح قوی در روضه المتقین**

همانگونه که بیان شد، مجلسی اول مکرّر از اصطلاح قوی در روضه المتقین استفاده کرده است. مراد ایشان از قوی خبری است که یکی از روات آن در کتب رجالی ذکر نشده یا مجهول است. در حالی که بیان شد مطابق اصطلاح دوم در کلام شهید اول، باید امامی بودن احراز شود در حالی که مرحوم مجلسی بر خبر اطلاق قوی کرده هر چند امامی بودن راوی احراز نشود. برای روشن شدن این اصطلاح عباراتی را که در جلد 14 روضه المتقین که عمدت بررسی طریق مشیخه فقیه است را نقل می کنیم.

مجلسی اول می نویسد: «و هذا الطریق حسن عن الحسن بن أحمد المالکی، عن أبیه و هما مجهولان فالطریق قوی»[[11]](#footnote-11) ایشان با اینکه الحسن بن أحمد المالکی و پدرش را مجهول می داند، طریق را قوی شمرده است. ایشان در طریقی دیگر می نویسد: ««عن الفضل بن إسماعیل بن الفضل».لم یذکر فالخبر قوی کالصحیح»[[12]](#footnote-12) این نوع اصطلاح در مواضع دیگری از روضه المتقین وارد شده است.[[13]](#footnote-13) ایشان در جایی دیگر می نویسد: «فالخبر ضعیف أو قوی بتعارض الجرح و التعدیل و تساقطهما»[[14]](#footnote-14) در این عبارت ایشان با متعارض دانستن مدح و ذم، راوی را غیر ممدوح و مذموم دانسته و در نتیجه بر آن قوی را اطلاق کرده است.

ظاهرا ایشان اصطلاح قوی را اینگونه دانسته که راوی که ذمّ او اثبات نشده باشد، موجب قوی شدن خبر است. به نظر می رسد، این اصطلاح مخالف اصطلاح قوم است و در کلام هیچ یک از علما چنین اصطلاحی وجود ندارد. زیرا اطلاق قوی بر خبری که راوی آن نه ممدوح باشد و نه ممذوم در صورتی است که امامی بودن راوی احراز شده باشد در صورتی که مرحوم مجلسی به هیچ وجه به این قید و نحوه استظهار آن اشاره ای نکرده است. اگر راوی در کتب رجال ترجمه شده بود، امکان داشت امامی بودن با این بیان احراز شود: کتب رجالی در مقام بیان مذهب فاسد راوی نیز هستند و با فرض عدم بیان قدحی در مذهب راوی، صحت مذهب او کشف می شود. این بیان در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی به نظر صحیح است و بیانات مختلفی بر اثبات امامی بودن از عدم بیان قدح در مذهب راوی وجود دارد. اما راوی که اصلا در کتب رجال ترجمه نشده یا تنها در رجال شیخ ترجمه باشد، احراز امامی بودن او با سکوت صحیح نیست. اصطلاح مجلسی اول از ناحیه ای دیگر مخالف اصطلاح قوم است. زیرا روشن نیست مراد از غیر المذموم در «غیر الممدوح و لا الممذوم» راوی است که ذمّ آن اثبات نشده هر چند با تعارض با مدح نتوان ذمّ را اثبات کرد.

**اصطلاح مرحوم اصفهانی در خبر قوی**

هدایه المسترشدین در مورد علی بن موسی در سند روایت ثواب الاعمال می نویسد: « الّا ان الظاهر انه من المشایخ المعروف و فی روایت اجلاء کالکلینی و علی بن بابویه رحمه الله عنه اشاره الی جلالته فاظاهر عدّ خبره قویّا.» [[15]](#footnote-15) ظاهرا مرحوم اصفهانی به این علت روایت را قوی دانسته است که علی بن موسی کمندانی ثابت شده مذموم نیست نه صرف آنکه در کتب رجال ترجمه نشده باشد. ایشان با تمسک به مشایخ معروفین بودن و نقل اجلایی مانند کلینی و علی بن بابویه، مذموم نبودن علی بن موسی را اثبات می کند زیرا اگر دمّی داشت، باید ذکر می شد. پس مرحوم اصفهانی مطلبی بالاتر از مرحوم مجلسی داشته و به صرف اثبات نشدن ذمّ راوی، خبر را قوی نمی داند.

**اعتبار خبر قوی**

مرحوم اصفهانی در ادامه می نویسد: «بل الظاهر انه لا مانع من قبول الروایه من جهته» مراد از «لا مانع من قبول الروایه من جهته» چیست؟ شاید مراد ایشان از عدم مانعیت از قبول روایت، این باشد که علی بن موسی به علت مشایخ معروفین بودن و روایت اجلایی مانند کلینی و علی بن بابویه، توثیق شده است. این امکان نیز وجود دارد که این دو وجه موجب مدح علی بن موسی باشد و روایت حسنه شده و ما اعتبار روایت حسنه را قبول داریم. امکان دارد معنایی دیگر که خالی از بعد نیست، مراد ایشان باشد. شاید ایشان اعتبار خبر قوی را نیز از نظر کبروی پذیرفته باشد. مرحوم مجلسی به تناسبی به این مطلب اشاره داشته و اعتبار خبر قوی را نقل می کند. ایشان می نویسد: «و قال الشهید رحمه الله لما کان کثیر الروایة و لم یرد فیه طعن فأنا أعمل علی روایته (انتهی) و اعترض الشهید الثانی بأنه لا یکفی عدم الجرح بل لا بد من التوثیق و الظاهر أن الشهید الأول یکتفی فی العدالة بحسن الظاهر کما تقدم الأخبار فیه و ذهب إلیه الشیخ رحمه الله تعالی فالخبر قوی (أو) لأنه من أصحاب الأصول.»[[16]](#footnote-16) ایشان بیان می کند ظاهرا شهید اول در عدالت به حسن ظاهر اکتفا کرده است اما می توان کلام ایشان را به وجهی دیگر نیز توضیح داد. شاید شهید اول کثر الروایه بودن را شاهد بر توثیق دانسته است به این بیان که اگر راوی نقطه ضعفی داشت با وجود مشهور بودن راوی، باید این وجه ضعف بیان می شد و از عدم بیان ضعف، توثیق کشف می شود. پس شهید اول خبر را صحیح دانسته نه قوی و احراز وثاقت از راه کثیر الروایه دانسته است.

آقای خویی به قدما نسبت می دهند: «یعتمدون علی روایه کل امامیٍّ لم یرد فی حقّه قدحٌ» مطابق این مبنا، هر امامی که مدح و ذمّی درباره او وارد نشده است، ثقه بوده و روایت صحیحه خواهد بود. بحث نسبت اصاله العداله به قدما در کلام مرحوم آقای خویی صحیح نبوده و در جایگاه خویش مورد نقد قرار گرفته است اما می توان کلام شهید اول را همانگونه که بیان شد، به نحوی تفسیر کرد که ارتباطی به اصاله العداله نداشته باشد. بیان ما در تفسیر کلام شهید اول در کلام قدما نیز قابل جریان است به این معنا که قدما در احراز عدالت حسن ظاهر را کافی دانسته و عدم ورود ذمّ در مورد راوی مشهور را اماره بر حسن ظاهر دانسته اند.

**اثبات وثاقت با حسن ظاهر**

البته به صرف اثبات حسن ظاهر و عدالت نمی توان وثاقت را ثابت کرد زیرا برای اثبات وثاقت از طریق حسن ظاهر، مقدّماتی باید ضمیمه شود. در وثاقت علاوه بر عدالت، ضبط نیز شرط است. به نظر می رسد اصل عقلایی بر ضبط

وجود داشته و عقلا اصلی را دارند که اصل بر آن است که اشتباه راوی بیش از متعارف نیست و ضابط کسی است که خطای او بیش از متعارف نباشد. اما اگر کسی اصاله الضبط را قبول نداشته باشد، به صرف اثبات عدالت نمی تواند ثقه بودن راوی را اثبات کند.

**قاعده مشاهیر**

مرحوم آقای تبریزی مبنایی در رجال داشته و با قاعده مشاهیر، راوی را توثیق می کردند که تنها اشاره وار به آن اشاره می شود.

در تقریب قاعده مشاهیر، چند تقریب وجود دارد که شاید دقیق ترین آنها این تقریب باشد: از عدم قدح در مورد مشاهیر، حسن ظاهر کشف می شود و حسن ظاهر مثبت عدالت بوده و با ضمیمه اصاله الضبط، وثاقت ثابت می شود. به نظر ما قاعده مشاهیر تام نبوده و اشکالاتی به آن وارد است که مفصّل در فقه اشکالات را بیان کرده ایم. یکی از اشکالاتی که به قاعده مشاهیر وارد است آن است که اگر عدم ورود ذمّ در کتبی مانند رجال نجاشی و فهرست شیخ باشد که مبنای آنها بر نقل جرح است، قاعده مشاهیر قاعده ای صحیح است. اما در مورد مشاهیری که در این دو کتاب ترجمه نشده و مثلا در رجال شیخ که بنای بر توثیق و تضعیف ندارد، وارد شده یا در هیچ یک از کتب رجال ترجمه نشده باشند، نمی توان عدم ورود ذمّ در مورد آنها را اثبات کرد. همانگونه که بیان شد، مبنای رجال شیخ به خصوص قبل از اصحاب الکاظم ع بر توثیق و تضعیف نیست و تنها استطرادی توثیق یا تضعیف را نقل کرده است.

**بررسی علی بن موسی**

به نظر ما علی بن موسی قابل توثیق نیست زیرا نه تنها توثیقی در کتب رجال ندارد بلکه اکثار اجلا از او وجود ندارد. مجموعه روایاتی که علی بن موسی در آنها وارد شده همراه با روایات تکراری، 26 روایت است و غیر از جهار روایت،[[17]](#footnote-17) سایر روایات منقول از او در مستحبّات و آداب است. شاید با حذف تکراری ها، علی بن موسی تنها 20 روایت داشته باشد که اطمینان به این میزان در این که اجلا او را ثقه می دانستند، مشکل است.

**کلام استقصاء الاعتبار درباره احادیث من بلغ**

مرحوم شیخ حسن نوه شهید ثانی در استقصاء الاعتبار در مورد اخبار من بلغ کلامی دارد که کاملا با بیان ما متفاوت است. ایشان می نویسد: « و ما یقال: من أنّ أخبار السنن تتسامح فیها؛ لحدیث‏: «من‏ بلغه‏ شی‏ء من الثواب علی‏ عمل» الحدیث‏ . ففی نظری القاصر أنّ الظاهر من الخبر هو أن یبلغ الإنسان شی‏ء من الثواب علی‏ عمل، لا نفس العمل الذی فیه الثواب لیدخل المستحب، حیث إنّ من لوازمه الثواب، فإنّ هذا و إن احتمل، إلّا أنّ ما قلناه قد یدّعی ظهوره، و ینبّه علیه أنّهم لم یستدلوا به فی الواجب، إذا ثبت بخبر ضعیف، مع أنّ الثواب فیه حاصل.»[[18]](#footnote-18) گویا ایشان اخبار من بلغ را تنها ناظر به مواردی دانسته است که ثواب صریحا ذکر شده و شامل مواردی که بدون ذکر ثواب عملی مستحب دانسته شده است، نمی باشد. شاید ایشان همان معنای پنجم در کلام شهید صدر را اراده کرده و اخبار من بلغ را شامل مواردی بداند که اصل استحباب ثابت بوده و ثواب خاص مورد بحث است.

اما به هر حال به نظر می رسد، روایت شامل مستحبّات است و لازم نیست ثواب به دلالت مطابقی بیان شده باشد و همین که خبر به دلالت التزامی نیز دالّ بر ثواب باشد، داخل در اخبار من بلغ است. حتی امکان دارد اخبار من بلغ شامل اخباری ضعیفی که دالّ بر وجوب است نیز بوده و بدون اثبات وجوب، ذی ثواب بودن عمل و حتی استحباب ظاهری به عنوان انه بلغ علیه الثواب را اثبات کند.

**کلام شیخ حرّ در الفصول المهمه**

مرحوم شیخ حرّ عاملی در الفصول المهمّه این گونه بیان می کند: «و اعلم انّ هذه الأحادیث لا تدلّ علی اثبات الاستحباب بالخبر الضعیف، و لا علی اثبات الاباحة به، بل لابدّ من العلم بالاباحة و المشروعیّة و الاستحباب من طریق معتمد و انّما یثبت بالخبر الضعیف‏ ترتّب‏ الثواب‏ أو مقداره لا غیر»[[19]](#footnote-19) عبارت مرحوم حرّ به خصوص عبارت « و الاستحباب من طریق معتمد و انّما یثبت بالخبر الضعیف‏ ترتّب‏ الثواب‏ أو مقداره لا غیر» بسیار مبهم است. احتمال دارد ایشان همان مطلب شهید صدر را بیان کرده و اخبار من بلغ را ناظر به مواردی دانسته که اصل استحباب مسلّم است و اخبار من بلغ، مثبت میزان و مرتبه ثواب باشد.

تا بدین بحث از اصل اخبار من بلغ تمام شد. این بحث تنبیهاتی دارد که در جلسه آینده تنبیهاتی که بحثی مهم و قابل توجهی داشته باشد را بحث خواهیم کرد.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد**

1. هدایه المسترشدین؛ ج 3، ص: 465 [↑](#footnote-ref-1)
2. ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج، ص: 48 [↑](#footnote-ref-2)
3. الخلاصةللحلي ص : 200 [↑](#footnote-ref-3)
4. مختلف الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج9، ص: 153 [↑](#footnote-ref-4)
5. الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية (ميرداماد)، ص: 41 [↑](#footnote-ref-5)
6. همان؛ ص: 68 [↑](#footnote-ref-6)
7. ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج1، ص: 48 [↑](#footnote-ref-7)
8. اصول الاخیار؛ ص: 98. منتقی الجمان، ج 1 ص: 4 [↑](#footnote-ref-8)
9. عوالی اللئالی؛ ص: 438 [↑](#footnote-ref-9)
10. نهایه الدرایه؛ ص: 264 [↑](#footnote-ref-10)
11. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه؛ ج14، ص: 27 [↑](#footnote-ref-11)
12. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) ؛ ج‏14 ؛ ص57 [↑](#footnote-ref-12)
13. مانند روضه المتقین؛ جلد 14 صفحه 57 صفحه 100 صفحه 172 و صفحات 69، 75، 78، 135، 154، 163، 178 [↑](#footnote-ref-13)
14. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه؛ ج14، ص: 76 [↑](#footnote-ref-14)
15. هدایه المسترشدین؛ ج 3، ص: 465 [↑](#footnote-ref-15)
16. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه؛ ج14، ص: 63 [↑](#footnote-ref-16)
17. امالی صدوق مجلس 43 حدیث 4. خصال صفحه 123 حدیث 118. و صفحه 208 حدیث 29 و صفحه 252 حدیث 122 [↑](#footnote-ref-17)
18. إستقصاء الاعتبار في شرح الإستبصار ؛ ج‏4 ؛ ص446 [↑](#footnote-ref-18)
19. الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل) ؛ ج‏1 ؛ ص617 [↑](#footnote-ref-19)